

دو فصلنامه پژوهش‌های مدیریت و فرماندهی نظامی

دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) نرسا

سال هفدهم، شماره ۵۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱: صص ۱۵۳-۱۲۱

بررسی چالش‌های ژئوپلیتیکی استقلال اقلیم کردستان عراق

حسین یعقوبی

مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه السلام) - دانشگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

دانشجوی دکتری روابط بین الملل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

چکیده

شناخت تنگناها و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی کشورها و همچنین شناخت متغیرهای مثبت و منفی آن و تعیین جایگاه و منزلت کشورها در سطح منطقه‌ای و جهانی، همواره مورد توجه اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است. پس از فروپاشی نظام دوقطبی و شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ و سقوط دولت بعث در سال ۲۰۰۳، مسأله اقلیم کردستان عراق به صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان به ظهور رسید که باعث شکل‌گیری حکومت خودگردان در شمال عراق شد. اما بحث استقلال برای اقلیم کردستان همچنان به صورت یک معمای حل نشده باقی مانده است. هدف تحقیق حاضر آن است که به روش توصیفی و تحلیلی و گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، چالش‌های ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان عراق را بررسی کند. بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که اقلیم کردستان عراق برای رسیدن به استقلال با چه موانع و محدودیت‌هایی مواجه است. یافته‌های مقاله نشان داد اگرچه به طور کلی سیاست ژئوسایید فرهنگی و قومی عراق در کردستان این کشور، باعث گرایش‌های گریز از مرکز و استقلال‌طلبانه کردها در قرن بیستم گردیده است، لکن تحقق یک دولت مستقل کردی در منطقه غرب آسیا به دلیل محدودیت‌های اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی امکان‌پذیر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، چالش‌های ژئوپلیتیکی، اقلیم کردستان عراق، قوم کرد

مقدمه

اصولاً هر نوع تحول ژئوپلیتیکی در ساختار جهانی و منطقه‌ای، می‌تواند به بروز بی‌ثباتی و نیز تغییر چشم‌انداز جغرافیایی سیاسی منجر گردد. کردستان عراق پس از فروپاشی حزب بعث در این کشور، توانست در اداره کشور عراق سهیم شود و تا حدودی به سمت دولت‌سازی حرکت نماید. آنچه مهم است پیوستگی‌های تاریخی، فرهنگی، نژادی و زبانی کردستان عراق با چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه است که حرکت به سمت وسوی دولت‌سازی مستقل، می‌تواند برای کردستان به معنای ستیز و مقابله با میدان‌های سنتی موجود در منطقه و در نتیجه شکل‌گیری بی‌ثباتی‌های سیاسی در منطقه باشد.

تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی و تشکیل حکومت فدرال در عراق و در نتیجه ایجاد منطقه خودمختار اقلیم کردستان عراق، تأثیرهای شایان توجه را بر کشورهای همجوار داشته است. همجواری مناطق کردنشین عراق با کشورهای ایران، ترکیه و سوریه، باعث بروز تهدیداتی در این کشورها شده و باعث گردیده است کشورهای مذکور به همراه دولت مرکزی در عراق، نگاه ویژه‌ای را نسبت به مسئله استقلال کردهای عراق در منطقه داشته باشند؛ اما فشار کشورهای مذکور تنها عامل عدم شکل‌گیری دولت‌سازی مستقل در کردستان عراق نیست و عوامل دیگر از جمله محدودیت‌های ژئوپلیتیکی در حوزه سیاست، اقتصاد و جغرافیا نیز از جمله علل تأثیرگذار بر عدم شکل‌گیری دولت مستقل در کردستان عراق است. در این پژوهش تلاش شده است تا محدودیت‌های ژئوپلیتیکی کردستان عراق که مانعی برای تشکیل دولت مستقل در کردستان عراق است بررسی شود.

۱- ژئوپلیتیک^۱

ژئوپلیتیک، دارای قدمتی به اندازه تاریخ انسان است؛ یعنی از زمانی که انسان در جستجوی قلمرو و امنیتی بوده، ژئوپلیتیک نیز معنا و مفهوم داشته است. بسیاری از فرماندهان جنگی از گذشته‌های دور تاکنون در طرح‌ریزی‌های خود به مفهوم ژئوپلیتیک توجه داشته‌اند؛ اما از نظر علمی، دریادار آلفرد ماهان^۲ به عنوان پدر ژئوپلیتیک شناخته شده است. بدین ترتیب ظهور این سنت، بایستی در بوستون به سال ۱۸۹۰ و با انتشار تحقیق این دریادار با عنوان «تأثیر نیروی دریایی بر تاریخ ۱۷۸۲-۱۶۶۰» رخ داده باشد (مویر^۳، ۱۳۷۹: ۳۶۵).

از مؤلفه‌های اثرگذار بر سیاست‌های ملی و بین‌المللی هر کشور ژئوپلیتیک آن است. «این اصطلاح اولین بار توسط ردلف کلین^۴ استاد علوم سیاسی و نماینده مجلس سوئد مطرح شد» (تقوی اصل، ۱۳۸۴: ۲۶). ژئوپلیتیک از زمان وضع واژه آن توسط کلین در سال ۱۸۹۹ میلادی تاکنون، ضمن اینکه دچار فراز و نشیب بوده است، از نظر مفهومی نیز دچار شناوری بوده و نتوانسته است از شفافیت و ثبات نسبی برخوردار شود. در تعاریفی که تاکنون به عمل آمده، غلبه با آن‌هایی بوده که سعی داشته‌اند از آن به عنوان دانش مطالعه رابطه یک‌سویه و جبری تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یاد کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۲). ژئوپلیتیک در نیمه اول قرن بیستم با نظریه‌های متعددی توسعه یافت.

نظریه‌هایی که عمدتاً به نقش فضای جغرافیایی در قدرت و استراتژی‌های جهانی می‌پرداخت. نظریه قلب زمین مکیندر^۵، قدرت دریایی ماهان، نظریه ریملند اسپایکمن^۶ و

^۱ - Geopolitics

^۲ -Alferdmahan

^۳ -Moyer

^۴ -klin

^۵ -Makinder

^۶ -Spaykman

نظریه قدرت هوایی سورسکی^۱ هر یک به نحوی الگوهای فضایی خاصی را ارائه دادند و بر تغییر و برداشت از قدرت و کنترل جهانی تأثیر گذاشتند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۴). همان‌گونه که نظریه‌های ژئوپلیتیک معمولاً باهدف سلطه یا تبعیض نژادی عرضه شده‌اند (الهی، ۱۳۸۴: ۱۹).

تعاریف متعددی از ژئوپلیتیک ارائه گردیده است؛ از جمله:

۱-۱- درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به‌منظور دستیابی به قدرت به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد؛ به عبارت دیگر ژئوپلیتیک عبارت است از: علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل (عزتی، ۱۳۸۸: ۷).

۲-۱- ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی، اثر محیط و اشکال و پدیده‌های محیطی، چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی، وسایل جمعی و ... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه و بررسی می‌کند (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

۳-۱- ژئوپلیتیک: عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۷).

از تعاریف بالا این طور برداشت می‌شود که ژئوپلیتیک می‌تواند به‌عنوان یک عامل مثبت یا منفی در تعقیب سیاست خارجی کشورها نقش ایفا نماید؛ بنابراین کشورها از لحاظ دسترسی به آب‌های آزاد، موقعیت جغرافیایی، وسعت و شکل سرزمینی یا منابع طبیعی، همسایگی با کشورهای قدرتمند، جمعیت، ترکیب قومی و ... با دیگر کشورها در

^۱ -Sorsky

تعامل مثبت و منفی قرار می‌گیرد. این امر باعث می‌شود که یک کشور با ژئوپلیتیک مناسب دارای وزن و منزلت ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و جهانی باشد و کشور دیگر با موقعیت ژئوپلیتیک پست، از وزن و اعتبار بالایی در سطح منطقه‌ای و جهانی برخوردار نباشد.

۲- چالش ژئوپلیتیکی

عبارت است از ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت یا متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی. به عبارتی منفعل کردن سیاست و استراتژی ملی دیگر کشورها با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی یا کاربرد جغرافیایی علیه کشور رقیب (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۱). به عبارتی چالش ژئوپلیتیکی برای یک دولت یا کشور می‌تواند به مرور زمان انزوای ژئوپلیتیکی را به همراه داشته باشد؛ به نحوی که باعث کاهش یا قطع ارتباط یک کشور با سایر کشورهای دیگر در سطح منطقه‌ای و جهانی گردد؛ بنابراین چالش‌های ژئوپلیتیکی و به دنبال آن انزوای ژئوپلیتیکی برای یک کشور، می‌تواند آن را در معرض تجزیه و سقوط قرار دهد و بر عکس واحدهایی از یک کشور که به دنبال استقلال از کشور اصلی هستند اگر دارای تنگناهای ژئوپلیتیکی باشند، نمی‌توانند به سادگی از دولت اصلی استقلال خود را بازیابند. لذا مقوله ژئوپلیتیک و توجه به مؤلفه‌های آن و بهره‌گیری صحیح و مناسب از متغیرهای ژئوپلیتیکی، از دغدغه‌های کشورها محسوب می‌شود.

۳- اقوام و اقلیت‌ها

قومیت^۱ اولین بار در سال ۱۹۵۳ میلادی توسط دیوید رایزمن به کار رفته است؛ اما ریشه

^۱ - Ethnicity

لغوی آن واژه قومی Ethnic است که بسیار قدیمی‌تر بوده و از واژه یونانی Ethnos مشتق شده است. در یونان باستان واژه Ethnos به قبایل کوچنده‌ای اطلاق می‌شد که هنوز در شهرها با پولیس‌ها مستقر نشده بودند؛ بنابراین در این مفهوم تقابل نوع زیست شهری با زیست غیر شهری و تقابل خداپاوری شهروندان و بی‌دین بودن قوم‌ها قابل ملاحظه است. واژه و مفهوم قومیت تا دهه ۶۰ قرن بیستم میلادی، در خود بار ارزشی منفی را حمل می‌کرد که در مورد گروه‌های غیروپایی و در چارچوب ایدئولوژی‌های نژادگرایانه مطرح می‌شد؛ اما از این دهه و با تأسیس دولت‌های ملی در کشورهای مستعمره، به یکی از مفاهیم اصلی در علوم اجتماعی تبدیل شد و تا امروز به صورت موضوعی اساسی در مطالعات و پژوهش‌های کاربردی باقی ماند (غلامحسینی، لیلایی، دالوند فر و قربانیان، ۱۳۸۹: ۱۴۰-۱۳۹). قومیت را به گونه‌های مختلف می‌توان تعریف کرد:

۱-۳- تعریف کرد: گروه‌های قومی، مردمی هستند که خود را در یک فرهنگ و میراث مشترک محصور، احساس می‌کنند، اگرچه پیوندهای آن‌ها ممکن است با برداشت‌های اجتماعی از نژاد مرتبط باشد. قومیت با بوم‌پایی در ارتباط است؛ بدین نحو که هویت فضایی می‌تواند بخش مهمی از هویت قومی تلقی شود. اصطلاح قومیت از ریشه یونانی، به معنی مردم یا ملیت است و به‌علاوه رابطه نزدیکی با ویژگی‌های فرهنگی مانند زبان دارد (برادن^۱ و شلی^۲، ۱۳۸۳: ۱۳۷). واژه قوم به نسبت واژه‌هایی چون جمعیت که چه به صورت مفرد و چه به صورت بسیار عمومی و مبهم هستند و نسبت به واژه‌هایی چون عوام، قبیله یا هُرد که به‌روشنی جنبه توهین‌آمیز دارند، برتری دارد؛ بنابراین واژه قوم به صورت هرچه گسترده‌تری درباره گروه‌های انسانی خاصی به کار می‌رود که به‌دلایلی

^۱ -Bradn

^۲ -Shli

چون ابهام در حدود آن‌ها، فقدان نهادهای سرزمینی، عدم توسعه، خرد و کوچک بودن و بالاخره قرابت آن‌ها، این امکان را ایجاد کرده است که اصولاً وجودشان زیر سؤال برود؛ که می‌تواند به صورت گروه اکثریت و یا اقلیت در یک جامعه نمایان باشند. در حقیقت اقلیت، در برگرفته آن دسته از گروه‌های انسانی است که سوای استثنائاتی چند، در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و درعین حال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی قرار دارند. واقعیت در اقلیت بودن بالمآل مستلزم آن است که گروه از نظر حقوقی و جامعه‌شناختی در وضعیتی از کهنتری و صغارت قرار گیرد و این به نوبه خود واقعیتی کمی و اختلافی و متأثر از شرایطی از وابستگی و یا احساس وابستگی است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶: ۵۷۹-۵۴).

به طور کلی می‌توان گفت که از منظر سرزمین و زیستگاه، اقلیت‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: اقلیت‌های منسجم و دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه که می‌توان از آن به اقلیت‌های اکولوژیکی تعبیر کرد و اقلیت‌های بدون سرزمین و غیر منسجم و پراکنده در میان اکثریت که می‌توان از آن به اقلیت‌های اجتماعی با ادغام‌شده تعبیر نمود. اقلیت‌ها در اشکال مختلف، قلمروهای مختلف و اندازه‌های مختلف وجود دارند. ویژگی مشترک اقلیت‌ها در همه انواع آن میل درونی و احساس علاقه نسبت به ارزش‌ها و صفات اختصاصی خود است. اگر اقلیت از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجهی نسبت به اکثریت پیرامونی برخوردار باشد، دچار نوعی احساس خوداتکایی، جدایی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات خود را از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر و نهایتاً استقلال سیاسی مطرح می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۲).

۲-۳- جایگاه اقلیت‌ها در مدل هاگت^۱: در سال ۱۹۹۳ میلادی از ۱۸۰ کشور جهان، کمتر از ۱۵ کشور در حکم یک کشور ملی تلقی می‌شدند. بنابراین کشورهای چندملیتی شایع‌ترین نوع کشورها هستند. در ۴۰ درصد کشورها حداقل ۵ گروه قومی وجود دارد و در ۳۱ درصد کشورها بزرگ‌ترین گروه ملی حتی اکثریت را نیز تشکیل نمی‌دهند (مویر، ۱۳۷۹: ۸۳). لذا مسئله اقلیت و قومیت، مسئله‌ای جهانی است. ارتباط میان اقلیت و گروه غالب، ممکن است به صورت‌های مختلف باشد و از سازگاری کامل تا مرحله جدایی طلبی دیده شود. در حکومت‌هایی که با گروه اقلیت براساس عدل و انصاف رفتار و به آن‌ها از جهات فرهنگی و زبانی خودگردانی داده می‌شود، عدم استقرار و بی‌ثباتی سیاسی مشاهده نمی‌شود. البته طرز پراکندگی گروه اقلیت در سرزمین نیز مؤثر است. برحسب این‌که گروه اقلیت به صورت متمرکز در یک ناحیه ساکن باشد یا در سرتاسر سرزمین کشور پراکنده باشد یا در منطقه پیرامونی مجتمع باشد یا نزدیک هسته سیاسی کشور متمرکز باشد، پیامدهای آن متفاوت است. همچنین اگر گروه اقلیت بخشی از گروه اکثریت دولت همسایه باشد یا بخشی از گروه‌های اقلیت در چند کشور مجاور پراکنده باشند، باز نتایج متفاوتی به دست خواهد آمد. نمونه اخیر کردها هستند (میرحیدر، ۱۳۷۸: ۵۴).

پیتر هاگت برای تسهیل در فهم منابع مناقشه و اختلافات با منشأ جغرافیایی بین کشورها، کشوری فرضی تصور کرده است و در آن به بررسی این منابع تنش پرداخته است. در مدل هاگت به ۱۲ منبع جغرافیایی تنش اشاره شده است (هاگت، ۱۳۹۲: ۳۷۲). که چهار مورد آن‌ها مربوط به گروه‌های اقلیت است. یعنی یک سوم تنش‌های جغرافیایی منجر به برخورد میان دولت‌ها را مربوط به قومیت می‌داند. همپوشی چهار مورد منبع

^۱ -Hagt

تنش قومی در مدل هاگت با دیگر موارد مطرح شده در این مدل، باعث افزایش شدت ناآرامی‌های قومی خواهد شد. به عنوان مثال وجود منابع غنی نفت در کرکوک در محدوده کردستان عراق، یکی از علل اصلی تداوم بحران کردستان عراق بوده است. چرا که کردها از آن به بیت‌المقدس کردستان یاد می‌کنند و در مقابل دولت مرکزی دست به تخریب این شهر زده است. ترکیه نیز دستیابی کردها به شهر کرکوک را مقدمه استقلال کردستان عراق می‌داند که می‌تواند تبعات زیادی در شرق و جنوب شرقی این کشور داشته باشد. لذا به بهانه حضور اقلیت ترکمن در این شهر، یکی از موانع الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق، کشور ترکیه است. پس تعدادی از مشکلات ژئوپلیتیک کشورها ناشی از وجود گروه‌های اقلیت در آن است. گروه‌های اقلیت به صورت‌های مختلف می‌توانند در یک دولت وجود داشته و هرکدام بانی نوعی از تنش باشند (خالدی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴).

۳-۳. چگونگی قوت گرفتن جدایی‌طلبی اقوام و ایجاد جنبش‌های قومی: در نظام‌های دیکتاتوری، دستاوردهای مورد انتظار فعالان، فارغ از سطح اختلافات، یکنواخت می‌ماند؛ در حالی که دستاوردهای مورد انتظار منفعلانه با افزایش اختلافات، افزایش می‌یابد. علی‌رغم آنچه برخی از ساختارگرایان می‌پندارند، اختلافات به تنهایی منجر به بسیج جنبش‌های قومی بالقوه در نظام‌های دیکتاتوری، مشابه آنچه در کشورهای جهان سوم وجود دارد، نمی‌شوند. سازمان‌های سیاسی قومی در این جوامع تنها زمانی به رویارویی با حکومت مرکزی می‌پردازند که تصور کنند قدرت آن را دارند و همچنین بپذیرند که در این منازعه برنده می‌شوند. قوت سازمان‌های قومی عمدتاً با تعدادی متغیرهای کمی و به طور بسیار ناچیز به متغیرهای کیفی تعیین می‌شوند. منابع انسانی، یدی و فکری، از جمله منابع عمده‌ای هستند که در اختیار سازمان سیاسی قرار داده می‌شوند. این منابع ممکن است در داخل به وجود بیایند یا به اشکال مختلف از قبیل حمایت سیاسی، مالی، نظامی

و اطلاعاتی، از خارج تأمین شوند. آگاهی سیاسی جمعیت‌های قومی، همبستگی میان آن‌ها و سنت سیاست‌های گروهی، از عوامل بالنسبه مهم در تعیین قوت سازمان‌های سیاسی قومی هستند. به‌طور اخص، آن دسته از جماعت‌های قومی که به تشکیل سازمان‌های سیاسی مؤثرتر و قوی‌تر بپردازند، دارای آگاهی سیاسی و همبستگی بالا و سنت دیرپای فعالیت گروهی در وضعیت برتری هستند.

تعهد ایدئولوژیکی سازمان سیاسی نیز دارای اهمیت زیادی است. سازمان‌های دو طرف طیف سیاسی، یعنی چپ افراطی، عموماً ضعیف و در کسب حمایت گروه‌های قومی ناتوان هستند. برعکس، سازمان‌های سیاسی دارای سیاست‌های فراگیر طبقاتی و برنامه دموکراتیک و متعهد به ناسیونالیسم قومی، برای جمعیت قومی از جذبۀ بالایی برخوردارند و در صورت در پیش گرفتن انقلابی غیر آشتی‌جویانه، به‌طور قوی رشد خواهند کرد. به‌علاوه موقعیت جغرافیایی جمعیت قومی نیز عامل مهمی در تعیین قدرت سازمان سیاسی قومی است. از لحاظ تاریخی، مردم سرزمین‌های کم وسعت نواحی جنگلی یا کوهستانی یا استان‌های هم‌مرز سایر دولت‌های دارای جمعیت‌های قومی مشابه، بیشتر و مؤثرتر از ساکنان استان‌های نواحی مرکزی و دارای جلگه‌های وسیع و هموار، مبادرت به جنبش‌های گروهی قومی کرده‌اند. همچنین، به میزان فاصلۀ جمعیت‌های قومی از حکومت مرکزی، بر نارضایتی و نیروهای گریز از مرکز افزوده می‌شود. سرانجام، درجه شباهت جمعیت‌های قومی با زندگی ملی، تأثیر عمیقی بر قدرت سازمان سیاسی قومی دارد. به‌طور کلی، هر چه درجه شباهت قومی کمتر باشد، سازمان سیاسی آن قوی‌تر است.

شباهت قومی ممکن است یک یا چند شکل از چهار شکل زیر را به خود بگیرد:

(الف) فرهنگ‌پذیری: روندی که از طریق آن، جمعیت قومی تمایز فرهنگی خود را از

دست‌داده و فرهنگ مسلط واحد بزرگ‌تر را می‌پذیرد. ممکن است به مناسبت اتحاد، گروه قومی مجبور به نادیده انگاشتن میراث تاریخی، زبان یا مذهب خود گردد؛ (ب) امتزاج: روندی که از طریق آن، تمایز بیولوژیکی جمعیت قومی با ازدواج بین قومی از بین می‌رود؛

(پ) هویت‌پذیری: روندی عمدتاً روان‌شناسانه که بدان طریق گروه‌های قومی، تصور تعلق به جامعه همسانی را داشته باشند، جامعه‌ای جدید که آمیزه‌ای است از جوامع قبلی‌شان؛ (ت) ادغام: درجایی اتفاق می‌افتد که قشربندی قومی برچیده و گروه‌های متعدد قومی، حقوق و امتیازات اقتصادی، سیاسی و مدنی همانندی را بپذیرند؛ بنابراین در ادغام کامل، اختلافات قومی به حداقل می‌رسد.

اشکال متعدد جنبش قومی دسته‌جمعی، به شدت تمایزات قومی یا طبقاتی در منطقه، قدرت نسبی سازمان سیاسی قومی، زمینه تاریخی خواسته‌های جمعیت‌های قومی، امکانات مادی و جغرافیایی نائل شدن به چنین خواسته‌ها، سطح محرومیت قومی و انتظار توانایی یا ناتوانی دولت در محرومیت‌زدایی، بستگی دارد.

چهار شکل عمومی جنبش‌های قومی عبارت‌اند از: جنبش‌های خودمختاری، جنبش‌های جدایی‌طلب، خیزش‌های منطقه‌ای و سیاست مبتنی بر تشکیل جبهه‌ای واحد در زمان رأی‌گیری. دو نوع اول عمدتاً در جاهایی اتفاق می‌افتد که هویت قومی شدیدتر از تمایز طبقاتی است؛ در حالی که دو نوع آخر در فقدان قومیت و جاهایی که قشربندی اجتماعی به وضوح مشخص شده است، صورت می‌گیرند. نوع ناب جنبش خودمختاری نمایانگر منازعه نخبگان محلی (که ممکن است مقام ایالتی باشند) و حکومت مرکزی در مورد حدود مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی است. این جنبش خواستار تمرکززدایی است؛ اما از تقاضای توزیع مجدد قدرت به شدت خودداری می‌کند. جنبش جدایی‌طلب،

عللی مشابه جنبش خودمختاری دارد؛ اما اهداف آن فراتر از اداره ایالت می‌رود. هدف جدایی طلبی، ایجاد دولتی مستقل بوده، عموماً از توزیع مجدد اساسی حمایت می‌کند. جاهایی که سازمان سیاسی قومی، نسبتاً قوی و دارای موضع‌گیری ایدئولوژیک‌تری است، خواسته‌های جدایی طلبی به احتمال زیادی شکل می‌گیرند. البته به شرطی که با برخورداری از مشروعیت تاریخی بحث کامیابی هم داشته باشند؛ در غیر این صورت، جنبش‌های قومی خواستار خودمختاری در چارچوب دولت واحد و همگرا هستند.

تمایز جنبش‌های خودمختاری و جدایی طلبی از خیزش‌های منطقه‌ای و سیاست مبتنی بر تشکیل جبهه‌های واحد به هنگام اخذ رأی، در این است که دو تای آخر به میزان بسیار کمتری ریشه در معضلات اقتصادی و اجتماعی دارند. در دموکراسی سیاسی عمدتاً ائتلاف رأی‌گیری و در دیکتاتوری‌ها، خیزش‌های منطقه‌ای شکل می‌گیرند. سیاست ایجاد جبهه واحد به هنگام اخذ رأی، درصدد تعدیل اختلافات قومی از طریق تغییر نمایندگی سیاسی در روند انتخابات است، در حالی که خیزش‌های قومی به منظور براندازی حکومت مرکزی و استحاله کل نظام اقتصادی- اجتماعی شکل می‌گیرند (امیراحمدی، ۱۳۷۷: ۲۱۸-۲۱۷).

همانطور که در جدول شماره یک دیده می‌شود مناطق مختلف در دنیا دارای تعارضات قومی هستند و اقوام و اقلیت‌ها در نقاط مختلف دنیا همواره ایجاد چالش و ناامنی می‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۷).

جدول شماره ۱: گستره تعارضات قومی در جهان

منطقه	تعداد گروه‌ها	تعداد سیاسی	تعداد اقتصادی	تعداد فرهنگی	درخاستن خودمختاری	تظاهرات	آشوب
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۸۶	۶۴	۵۷	۵۷	۲۳	۱۷
آسیا	۳۱	۴۳	۷۷	۶۴	۷۸	۱۷	۳۵
بلوک شوروی سابق	۲۶	۴۴	۳۸	۵۴	۶۳	۱۵	۱۲
آمریکای لاتین	۱۲	۶۷	۹۲	۷۵	۶۷	۸	۱۹
دموکراسی‌های غربی	۸	۳۷	۶۲	۵۰	۳۷	۲۵	-
آفریقا	۱۴	۴۳	۷۱	۲۹	۵۷	۳۳	۲۳

۴- اقلیم کردستان عراق

کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق و جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد و بر سرزمین‌های کم ارتفاع اطراف خود مشرف است. سرزمین مرتفع کردها باعث معروفیت آن‌ها به عنوان مردمان کوهستان در نظر مردم اقوام پیرامونی شده است؛ یعنی ترک‌ها، ایرانی‌ها و عرب‌ها، کردها را با کوهستان مترادف می‌دانند و گاهی بر این اساس نسبت به کردها نگرش منفی پیدا می‌کنند. از طرفی کردستان، بین پنج دولت خاورمیانه‌ای؛ یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان است و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات؛ یعنی ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر

یک گذرگاه میان‌قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است (عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۸۸). کردستان عراق با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومترمربع نزدیک به شش میلیون نفر از جمعیت این کشور را در خود جای داده و شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا است که در کل حدود ۲۰ درصد از وسعت عراق است. با نگاهی به نقشه کردستان، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک کردستان مشخص می‌گردد. علاوه بر آن، در برگیرنده ذخایر و مناطق نفت‌خیز و آبی و یا مشرف بر آن دو است (عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۸۹). اقلیم کردستان عراق، آن بخشی از کردستان است که به دنبال جنگ جهانی اول در داخل مرزهای عراق واقع شد. بیشترین ساکنان این ناحیه کرد هستند و از روی هم‌زیستی قومی و آیینی با دیگر مناطق عراق و منطقه اختلاف دارد. این اقلیم شامل تمامی چهار استان اربیل، سلیمانیه، کرکوک و دهوک و همچنین تمامی شهرستان‌های استان موصل به جز شهرستان‌های موصل (مرکز استان) و بعاج و حضر و نیز شهرستان‌های خانقین، مندلی و کفری به جز ناحیه بلد روز از استان دیاله و همین‌طور مرکز شهرستان بده از استان واسط (کوت) می‌شود (حاجی میرخان، ۱۳۹۰: ۱۱).

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است. همچنین اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر و مقالات و کتب گردآوری شده است. هدف این مقاله آن است تا مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی که مانع تحقق شکل‌گیری یک کشور مستقل در کردستان عراق است، بررسی و تجزیه و تحلیل شود.

پیشینه پژوهشی تحقیق

عنوان	نویسنده
پایان‌نامه نقش اتحادیه میهنی کردستان عراق در تشکیل اقلیم کردستان عراق	زارع، نصرالله (۱۳۹۳)
کتاب جنبش کردها	ابالاس (۱۳۷۷) ترجمه اسماعیل فتاح
کتاب جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک	نامی و محمد پور (۱۳۸۷)
کتاب آینده کردستان عراق	صالحی (۱۳۸۳)
مقاله تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران	مهرانی و پور اسلامی (۱۳۹۳)
مقاله طرح جدایی اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر جغرافیای سیاسی منطقه و امنیت ایران	محمدی، رضا و متقی، افشین (۱۳۹۴)
مقاله راهبرد سیاست خارجی آمریکا در اقلیم کردستان عراق	قربانی و قدیمی (۱۳۹۰)
مقاله روابط جمهوری اسلامی ایران و حکومت اقلیم کردستان عراق	سازمند و نوری (۱۳۹۰)
مقاله بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران	هاشمی، سید مصطفی و همکاران (۱۳۹۵)
مقاله بررسی استقلال‌طلبی اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران	پیشه‌گر، حمید و نکویی، حجت (۱۳۹۷)

یافته‌های تحقیق

۱. مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی که مانع شکل‌گیری اقلیم کردستان عراق به عنوان یک کشور مستقل می‌شوند، عبارتند از:

الف) چالش سیاسی: کردهای عراق را می‌توان سیاسی‌ترین گروه کرد در میان کشورهای منطقه دانست که با بیشترین میزان مقاومت‌های نظامی و سرکوبگری بغداد مواجه بوده‌اند. مناطق شمالی و منتهی‌الیه شمال شرقی عراق در بردارنده حزب دموکرات کردستان است. نواحی اطراف کرکوک و خانقین از کردهای فیلی و شیعی مذهب و عموماً مخالف اکثریت کردها هستند. اکثریت کردهای فعلی در حزب اتحاد میهنی کردستان عضویت دارند. منطقه شمال غرب عراق اطراف سینجار در دست حزب کمونیست عراق است که اکثریت آن حزب را نیز کردها تشکیل داده‌اند.

کردستان عراق کم و بیش بین دو جریان سورانی و بادینانی تقسیم شده است که دو نوع گویش کردی متفاوت دارند. گویش سورانی تحت نفوذ طالبانی است که قلاده و کوه سنجاب و اربیل و سلیمانیه تا خانقین را زیر پوشش دارد. گویش بادینانی که مرکزش زاخو است منطقه بارزانی است و تا ترکیه پیش می‌رود. هر دو نیز تلاش می‌کنند در مناطق یکدیگر نفوذ کنند و اغلب میانشان درگیری نظامی پیش می‌آید. در تمام این مناطق جوانان کرد باید پیشمرگه شوند و نوعی سربازگیری وجود دارد (هوشمند، ۱۳۸۳: ۲۱). بارزانی‌ها بر حزب دموکرات کردستان تسلط دارند و طالبانی‌ها بر حزب اتحاد میهنی کردستان چیره هستند.

پس از استقلال عراق، کردها در سال ۱۹۳۰ خواستار تشکیل دولت بودند در آوریل ۱۹۶۹ رژیم جدید (عراق) چهارمین جنگ را علیه کردستان عراق آغاز نمود که در نهایت منجر به برقراری موافقت‌نامه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ مشتمل بر ۱۵ ماده برای تعیین حقوق کردها و چگونگی حل مسائل کردستان بود که البته رژیم عراق هیچ‌گاه به اجرای مفاد موافقت‌نامه نپرداخت. در اواخر ۱۹۸۸ منطقه خودمختار با توجه به قرارداد خودمختاری ۱۹۷۰ اکراد با بغداد به شکلی از سازمان سیاسی رسید.

پس از جنگ کویت و عراق از وضعیت ممنوعیت پرواز عراق به بالای ۲۳ درجه در سال ۱۹۹۱ کردهای عراق عملاً توانستند حکومت خود را تأسیس نمایند و با حل اختلافات گروهی و قیام علیه حکومت بعث، حکومت منطقه را به عهده گرفتند. کردها این خیزش را «راپه رین» می‌نامند. اختلافات میان حزبی بین حزب دموکرات کردستان به رهبری بارزانی و حزب اتحاد میهنی کردستان به رهبری طالبانی در سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ شکل گرفت که باعث شد بارزانی‌ها به سمت دولت مرکزی بغداد و طالبانی‌ها به سمت ایران متمایل گردند.

اوج درگیری‌ها بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ بود. پس از دو سال سرانجام مسعود بارزانی و جلال طالبانی در سپتامبر ۱۹۹۸ به واشنگتن رفتند و در مذاکراتی تحت ریاست آلبرایت توافق ۱۷ سپتامبر را امضا نمودند که طی آن توافق، اداره مشترک مناطق کردستان تعیین شده بود. کردستان آزاد به دو حکومت با پایتخت‌های سلیمانیه و اربیل تحت کنترل طالبانی و بارزانی تقسیم شد پس از ده سال و با حمله دوباره آمریکا به عراق در شمال و شمال شرق عراق که به کردستان عراق معروف است، کردها حکومت خودمختار جمهوری فدرال عراق را به‌طور رسمی تشکیل دادند. مهم‌ترین گروه‌های کرد عبارت‌اند از حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی؛ علاوه بر این‌ها احزاب جدید کرد در سایه اوضاع جدید منطقه تشکیل شده‌اند (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۴۳). وضعیت دو حکومتی در کردستان عراق تا قبل از جنگ ۲۰۰۳ ادامه یافت تا اینکه در تحولات جدید عراق دو هسته کردستان تلاش کردند از موقعیت ایجادشده حداکثر بهره‌برداری را بنمایند و خود را به جهان و منطقه عرضه و حقانیت خود را اثبات نمایند. مدلی که کردستان به دنبال آن بود مدل فدرالیسم با احترام به تمامیت ارضی عراق بود.

با سرنگونی صدام و همراهی اکراد در روند تشکیل دولت بعد از صدام، باعث گردید پست‌های قابل توجه از جمله ریاست جمهوری به طالبانی‌ها و رهبری فدرال کردستان به مسعود بارزانی از حزب دموکرات کردستان برسد و دولت سلیمانیه و اربیل ادغام و یک دولت واحد را سازمان‌دهی نمایند. با این حال این روند باعث نشد احزاب کرد به طور کامل بتوانند باهم دور یک میز جمع شوند و هنوز اختلافات آن‌ها هراز چند گاهی خود را نشان می‌دهند؛ چنان‌که در وضعیت حادث شده در عراق، بارزانی از تجزیه عراق، طالبانی از وحدت و یکپارچگی عراق و این ممکن است آغاز درگیری‌های حزبی کردستان عراق باشد.

اختلافات در کردستان عراق محدود به دو حزب اصلی نیست و گهگاه این اختلافات بین مردم و حکومت اقلیم کردستان است. حزب پارتنی (دموکرات) کردستان عراق، اکنون شاید از نظر امنیتی، اقتصادی و نظامی در موقعیت خوبی باشد؛ ولی از نظر سیاسی و مقبولیت عامه مردم کردستان، دوران رکود خود را می‌گذراند و برای بقای سیاسی خود نیازمند تغییرات است؛ درون عشیره بارزان هم اختلاف رشد کرده و عیان یافته، مثلاً صدای اعتراض و نارضایتی مردمان بادنیان و دهوک شنیده می‌شود که شاید تاکنون مکتوم و ناشنیده مانده بود (پایگاه اطلاع رسانی تابناک). احزاب مختلف کردستان حاضر نیستند با حزب دموکرات به رهبری بارزانی دور یک میز تجمع کنند و این خود حاکی از سیاست‌های غلط حکومت اقلیم کردستان دارد که باعث شکاف سیاسی در اقلیم کردستان گردیده است. در بیشتر شهرهای کردستان، تظاهرات معترضان برای برکناری ریاست اقلیم برپاشده است (همان منبع). آن‌ها خواستار برکناری مسعود بارزانی و خانواده او از قدرت هستند. برنامه و شایعه زود هنگام بودن استقلال کردستان توسط بارزانی‌ها بیشتر برای ساکت کردن معترضان است و گرنه تفکر غالب در کردستان عراق استقلال نیست؛ این در

حالی است که جلال طالبانی استقلال کردستان را رؤیایی شیرین می‌نامد؛ بنابراین تشکیل کردستان مستقل به علت اختلافات عمیق احزاب دموکرات و اتحاد میهنی کردستان، به نوعی پایه‌های استقلال‌طلبی کردستان را نه تنها در عراق بلکه در کشورهای دیگر می‌لرزاند. اختلافات سیاسی درون‌گروهی در کردستان عراق بعید به نظر می‌رسد به راحتی قابل حل باشد و یک چالش ژئوپلیتیکی بارز برای استقلال کردستان محسوب می‌شود.

عراق و مسائل قومی و مذهبی درون آن، باعث شده است که آمریکا و متحدانش به همراه ناتو از سال ۲۰۰۳ همواره حضور پر رنگی را در این کشور نشان دهند. حمله نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ را می‌توان نقطه عطف جدیدی در ارتباط با نقش امنیتی و راهبردی پیمان آتلانتیک شمالی در منطقه دانست. الگوی رفتار آمریکا برای سازمان‌دهی و مشارکت کشورهای منطقه‌ای در پیمان‌های امنیتی به گونه‌ای است که در ابتدا مبادرت به سازمان‌دهی الگوهای مشارکت نهادی می‌نمایند. از طریق چنین فرایندی، زمینه برای فعال‌سازی آنان در دیپلماسی دفاعی فراهم می‌گردد. دیپلماسی دفاعی را می‌توان بخشی از ضرورت اجتناب‌ناپذیر متقاعدسازی کشورهای منطقه‌ای در سازوکارهای بین‌المللی دانست (موسوی، برزگر، قوام و ذاکریان، ۱۳۹۵: ۱۶۹). یکی از کشورهای اسلامی که بسیاری از کشورهای عضو ناتو در آن به شکل جدی حضور یافته و بستر لازم برای حضور بلند مدت خود را در آن فراهم کرده، کشور عراق است. جنگ در عراق به وسیله ائتلافی از کشورهای مختلف (که فقط برخی از آن‌ها عضو ناتو بودند) به رهبری آمریکا در مارس ۲۰۰۳ آغاز شد و ناتو به عنوان یک سازمان، نقش عمده‌ای در روند تصمیم‌گیری مربوط به آن نداشت. قبل از شروع درگیری، کمیته برنامه‌ریزی دفاعی ناتو، در پاسخ به درخواست ترکیه (عضو رسمی ناتو) برای کمک به این کشور در مقابل خطر بالقوه از سوی عراق، برخی اقدامات پیشگیرانه را طراحی و اجرا نمود. پس از مذاکرات

و مجادلات بین اعضای ناتو، رهبران سازمان در اجلاس استانبول با انتشار بیانیه‌ای، پذیرش نقش جدید ناتو در روند تأمین امنیت در عراق را مورد تأیید قرار دادند (کاگان،^۱ ۲۰۰۴). در واقع بحران بخش اجتناب‌ناپذیر فرایندهای سیاست خارجی و امنیتی کشورهای خاورمیانه است و دخالت قدرت‌های بزرگ یکی از اصلی‌ترین عوامل تحقق چنین فرایندی خواهد بود (رزفت،^۲ ۲۰۰۹: ۵).

ب) چالش جغرافیایی: اقلیم کردستان عراق در حوزه کشش و رانش سه میدان فرهنگی و تمدنی فارس، عرب و ترک قرار دارد؛ این میدان‌ها با ویژگی‌های ایدئولوژیک خاص خود، قابلیت جذب را برای کردها به حداقل می‌رسانند. کردهای عراق نیز پس از جنگ ۱۹۹۱ شرایط را در عراق به نفع خود مساعد یافتند و تلاش نمودند تا خود را از انزوا خارج سازند. کردستان عراق منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع، نزدیک به شش میلیون نفر از جمعیت این کشور را در خود جای داده و شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا است که در کل حدود ۲۰ درصد وسعت عراق است. با نگاهی به نقشه کردستان، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک کردستان مشخص می‌گردد. علاوه بر آن در برگیرنده ذخایر و مناطق نفت‌خیز و آبی و یا مشرف بر آن دو است.

کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال ایران، شرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد. سرزمین مرتفع کردها باعث معروفیت آن‌ها به عنوان

^۱ Kagan

^۲ Rozoft

مردمان کوهستان در نظر اقوام پیرامونی شده است؛ یعنی ترک‌ها، ایرانیان و عرب‌ها، کردها را با کوهستان مترادف می‌دانند و گاهی بر این اساس نسبت به کردها نگرش منفی پیدا می‌کنند. از طرفی کردستان بین پنج دولت خاورمیانه‌ای؛ یعنی ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات؛ یعنی ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه میان قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. موقعیت بسته جغرافیایی کردستان، بزرگ‌ترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن است (عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۸۸).

بنابراین کردها به دلیل موقعیت بسته جغرافیایی خود و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و یا کشورهای هم‌طراز خود مجبور به جلب رضایت و همکاری با کشورهای پیرامونی خود مثل ایران و ترکیه هستند. تقسیم کردستان بین کشورهای خاورمیانه سبب شده است که مناطق کردنشین این کشورها از لحاظ جغرافیایی، دارای موقعیت حاشیه‌ای برخوردار باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲). اگر واقع‌بینانه نگریسته شود کردستان شکل دولت فرضی محصور در خشکی است که به دریا راه ندارد و بزرگ‌ترین تنگنای ژئوپلیتیکی آن را انزوای جغرافیایی تشکیل می‌دهد که دولت‌های همسایه که همه نسبت به آن مواضع خصمانه خواهند داشت، در یک ائتلاف می‌توانند آن را به‌زانو درآورند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲). به همین دلیل بعد از حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، کردستان عراق در قالب فدرال و با امتیازات گسترده و رسمی بر اساس اصول ۱ و ۴ و ۱۱۳ قانون اساسی به حیات خود ادامه داده است.

پس از آنکه عراق در سال ۲۰۱۴ مورد هجوم محورهای تروریستی داعش قرار گرفت و شهر کرکوک توسط نیروهای داعش تصرف شد، نیروهای پیشمرگه حکومت اقلیم کردستان عراق، کنترل این شهر نفت‌خیز را بر عهده گرفتند و اعلام کردند از این مناطق

خارج نخواهند شد تا از این طریق بتوانند جغرافیای مورد نظر خود را تأمین نمایند؛ هرچند در تصرف شهر کرکوک اهداف اقتصادی نیز مد نظر بود. در واقع این واقعیتی است که حکومت خودگردان کردستان عراق و دولتمردان کردستان از آن آگاهی دارند و از تعقیب اندیشه تأسیس دولت مستقل کردی پرهیز می‌نمایند. هرچند در گفتار برای فشار به دولت مرکزی عراق گاهی آن را بر زبان جاری سازند.

پ) چالش اقتصادی: کرکوک شهری است که هم مورد عنایت ویژه اقوام کرد قرار دارد و هم از نظر دولت مرکزی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. امتزاج قومی و وجود ذخایر نفتی در شهر کرکوک، همواره آن را در کانون بحران‌های قومی و سیاسی قرار داده است (جنتی محب، ۱۳۹۱: ۱۵۹). شهر کرکوک مرکز استان التمیم عراق است که در ۲۵۰ کیلومتری شمال بغداد قرار گرفته است و طبق آمار ۲۰۱۳ جمعیت آن ۸۸۰ هزار نفر بود. در حال حاضر هم شهر کرکوک نقطه تلاقی نگاه مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق به عنوان قلب کردستان و جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی به عنوان قدس کردستان و از نگاه ترکیه و آمریکا بزرگ‌ترین حوزه نفتی خاورمیانه به حساب می‌آید (جنتی محب، ۱۳۹۱: ۱۶۰). وجود ذخایر نفتی در شهر کرکوک خود زمینه‌ساز ایجاد بحرانی است که نه تنها جنبه منطقه‌ای دارد، بلکه در مناسبات بین‌المللی نیز مؤثر است. بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی نظام فدرال عراق، می‌بایست در سال ۲۰۰۷ وضعیت شهر کرکوک با برگزاری همه‌پرسی و سرشماری میان ساکنین آن روشن می‌شد؛ اما چالش‌های امنیتی به وجود آمده پیرامون این مسئله، باعث به تأخیر افتادن برگزاری همه‌پرسی در شهر کرکوک شده است (جنتی محب، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

در حال حاضر کرکوک دارای ده درصد منابع نفتی عراق است. با اذعان به این موضوع می‌توان دریافت که مسئله کرکوک، فراتر از مسئله صرفاً قومیتی است؛ زیرا دستیابی به

چنین منابع عظیمی خارج از معادلات قومیتی، برای هر دو طرف یعنی ایالت کردستان و دولت مرکز وسوسه‌انگیز است. از سوی دیگر با توجه به اختلافات دیرینه کردها در سوریه و ترکیه، قرار گرفتن کرکوک و اختیار منابع انرژی آن در دست کردهای عراق، می‌تواند به عنوان اهرم فشار بر دولت‌های سوریه و ترکیه در خصوص مسائل کردهای این منطقه مورد استفاده قرار گیرد (جنتی محب، ۱۳۹۱: ۱۶۸)؛ بنابراین به نظر نگارندگان، اقلیم کردستان عراق تلاش دارد با تصاحب شهر کرکوک و دستیابی به مناطق نفت‌خیز این شهر که سهمی ده درصدی از منابع انرژی عراق را در خود جای داده است، بتواند ابتدا به جغرافیای موردنظر خود دست یابد و در نهایت بنیه اقتصادی خود را بیش از گذشته تقویت نماید. لذا تصرف شهر کرکوک برای اقلیم کردستان، یک هدف دو وجهی است که جغرافیا و اقتصاد را به‌طور هم‌زمان تأمین می‌نماید؛ اقتصادی که می‌تواند کردستان را بیش از گذشته تقویت نموده و به عنوان یک اهرم فشار برای کشورهای همسایه محسوب گردد و از طرفی بتواند توجه مجامع جهانی و کشورهای قدرتمند را به این منطقه جلب نماید. اقلیم کردستان با تصرف این شهر در واقع می‌تواند ضعف‌های ژئوپلیتیکی خود را ترمیم کند تا از این رهگذر بتواند روند دولت‌سازی خود را تقویت نماید.

۲. ویژگی‌های کردستان بزرگ برای مستقل شدن به عنوان یک کشور

۱-۲- به لحاظ هیدروپلیتیک^۱، کردستان عراق به عنوان قلب زمین^۲ در غرب آسیا^۳ مورد توجه بوده است. کردستان یکی از غنی‌ترین منابع آب خاورمیانه را در اختیار دارد. نگاهی به سرشاخه‌های فرعی که دجله و فرات از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، نشان‌دهنده آن است

^۱ -Hydropolitics

^۲ -Hartland

^۳ -West of Asia

که تقریباً تمام آب‌های تغذیه‌کننده دجله و فرات از مناطق کردنشین سرچشمه می‌گیرند؛ بنابراین با توجه به سابقه درگیری‌های کردها در جنوب شرق ترکیه (محل اجرای پروژه گاپ) شمال غرب و غرب ایران و شمال عراق اجرای پروژه‌های ذخیره‌سازی و انتقال آب به اهمیت این مناطق خواهد افزود؛ به عبارت دیگر از این پس، هم منزلت ژئوپلیتیک کردها بالا خواهد رفت و هم اینکه واکنش حکومت‌های مرکزی به تحرکات آنها احتمالاً متفاوت از گذشته خواهد بود. رابرت کاپلان در مقاله هرج و مرج آینده با توجه به این موضوع منازعه ترک (ترکیه) و کرد را در آینده جدی‌تر از بحران اعراب و اسرائیل می‌داند. به طور کلی منطقه کردستان سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آب شیرین در خاورمیانه است. رودخانه‌های معروف دجله، فرات، ارس، قزل ایرماق، سفیدرود، سیروان و زاب (کوچک و بزرگ) از کردستان سرچشمه می‌گیرند. منابع آب منطقه کردستان به دریای مازندران، خلیج فارس، دریاچه ارومیه و دریای سیاه سرازیر می‌شوند و کشورهای ترکیه، ایران، آذربایجان، ارمنستان، عراق، سوریه و کویت به آب‌های کردستان وابستگی دارند. از جهتی به علت قرار گرفتن مناطق خشک و کم آب پیرامون سرزمین کردستان که بیشتر آب شیرین خود را از رودخانه‌های سرچشمه گرفته از کردستان تأمین می‌کنند و از سوی دیگر به علت افزایش جمعیت، رشد اقتصادی و بالا رفتن سطح زندگی که باعث افزایش مصرف آب و نزدیک شدن مقادیر تقاضا به مرزهای منابع آب تجدیدشونده می‌شود، کردستان از منزلت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار می‌گردد؛ بر این اساس کردستان به لحاظ هیدروپلیتیک، هارت لند خاورمیانه جدید است.

به طور کلی اهمیت آبی کردستان در خاورمیانه را در موارد زیر می‌توان بیان کرد:

الف) موقعیت بالادستی در خاورمیانه به علت داشتن میزان مناسب بارندگی و در نتیجه وجود سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها و منابع آب شیرین خاورمیانه در کردستان؛ ب)

وجود مناطق خشک و نیازمند به آب در پیرامون آن؛ پ) وابستگی حداقل هفت کشور منطقه به آب‌های کردستان؛ ج) نبود منطقه جایگزین برای تأمین آب خاورمیانه (خالدی، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۷).

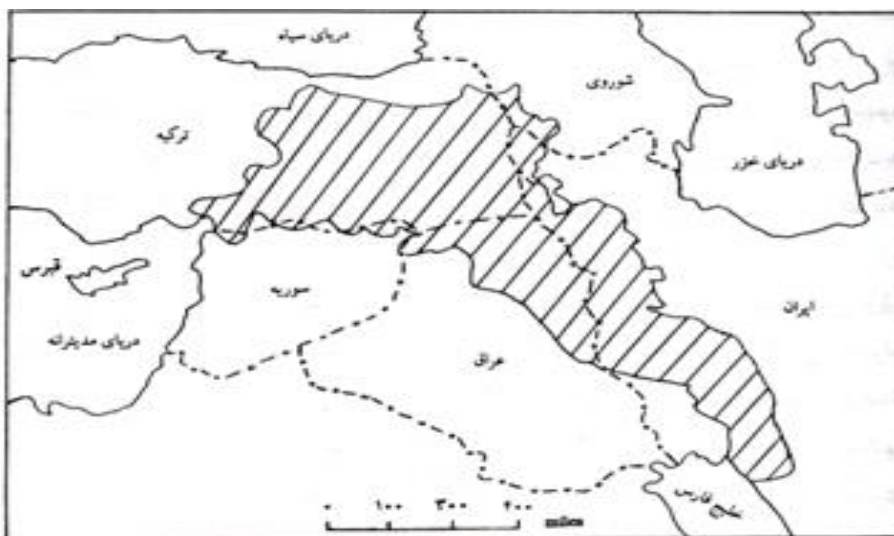
۲- کردستان بین چند تمدن کهن مانند تمدن ایران، تمدن تورانی (ترک)، تمدن عربی (سامی) واقع شده است. نزدیکی جغرافیایی به کشورهای ایران، سوریه و ترکیه برای آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است؛

۳- منابع نفت عمده‌ای در کردستان عراق وجود دارد و بنابراین از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. کردستان از نظر منابع طبیعی، دارای خاک حاصلخیز، آب، نفت، گاز و دیگر مواد معدنی است که در دوران زمامداران بحث عراق کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ «اقلیم کردستان دارای ۴۵ میلیارد بشکه ذخیره نفت و ۱۲۷ تریلیون متر مکعب ذخیره گاز است. برآوردها نشان می‌دهند که ظرفیت تولید نفت اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۶ میلادی یک میلیون بشکه بوده است. در سال ۲۰۱۳ اقلیم کردستان از طریق خط لوله کرکوک به اسکندرون ۳۵ میلیون بشکه در سال صادرات داشته است که این رقم تا ۵۰ میلیون بشکه در سال قابل افزایش است.» (موسوی، برزگر، قوام و ذاکریان، ۱۳۹۵: ۱۶۹).

۴- کردهای عراق، منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع و نزدیک به شش میلیون نفر جمعیت، شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا و در کل ۱۷ درصد وسعت عراق را دارا می‌باشند. با این توضیح که وسعت ناحیه حکومت اقلیم کردستان ۶۴۳/۴۰ کیلومتر با جمعیتی نزدیک به چهار بلیون نفر به پایتختی اربیل (هولیر) است (قربان شیخ‌نشین و قدمی، ۱۳۹۱: ۶۰).

۵- حمایت کشورهای آلمان، فرانسه و آمریکا از تشکیل یک کشور کردی در خاورمیانه.

۶- نقشه شماره (۱) نشان می‌دهد گُردها در امتداد مرزهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه قرار دارند. خودمختاری و استقلال کردها در شمال عراق می‌تواند ترکیه، ایران و سوریه را با بحران‌هایی جدی و شورش کردها در این کشورها مواجه سازد و موجب طرح خواسته‌های مشابه در مناطق کردنشین در کشورهای مذکور شود و تمامیت ارضی این کشورها را مورد تهدید قرار دهد (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).



نقشه ۱: کردستان بزرگ مورد ادعای کردهای ناسیونالیست (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰)

بحث و نتیجه‌گیری

آن چیزی که باعث ادعای کردستان بزرگ و استقلال یک کشور شده است. عبارتند از:

۱- کردستان به لحاظ هیدروپلیتیک، به عنوان قلب زمین در غرب آسیا محسوب می‌شود و غنی‌ترین منابع آب خاورمیانه را در اختیار دارد. نگاهی به سرشاخه‌های فرعی که دجله و فرات از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد نشان‌دهنده آن است که تقریباً تمام آب‌های تغذیه‌کننده دجله و فرات از مناطق کردنشین سرچشمه می‌گیرند.

۲- کردستان بین چند تمدن کهن مانند تمدن ایران، تمدن تورانی (ترک)، تمدن عربی (سامی) واقع شده است. نزدیکی جغرافیایی به کشورهای ایران، سوریه و ترکیه برای آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است؛

۳- منابع نفت عمده‌ای در کردستان عراق وجود دارد و بنابراین از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی نیز دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. کردستان از نظر منابع طبیعی، دارای خاک حاصلخیز، آب، نفت، گاز و دیگر مواد معدنی است که در دوران زمامداران بحث عراق کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛

۴- کردهای عراق، منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع و نزدیک به شش میلیون نفر جمعیت، شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا و در کل ۱۷ درصد وسعت عراق را دارا هستند.

۵- کشورهای آلمان، فرانسه و آمریکا از تشکیل یک کشور کردی در خاورمیانه حمایت می‌کند.

۶- کردها در امتداد مرزهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه قرار دارند. خودمختاری و استقلال کردها در شمال عراق می‌تواند ترکیه، ایران و سوریه را با بحران‌هایی جدی و شورش کردها در این کشورها مواجه سازد و موجب طرح خواسته‌های مشابه در مناطق کردنشین در کشورهای مذکور شود و تمامیت ارضی این کشورها را مورد تهدید قرار دهد.

۷- اقلیم کردستان عراق دارای ویژگی‌های خاص از نظر نژادی، زبانی، فرهنگی و قومی است و بیشترین اشتراکات را با استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه و کردستان در ایران دارد. در مقایسه با بخش‌های دیگر عراق و همچنین سایر مناطق کشور این اشتراکات زمینه و فرصت‌های زیادی را برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی در سطح استان‌های مذکور و منطقه و حتی ملی فراهم کرده است. این اقلیم با جمعیتی حدود هفت و نیم

میلیون نفر بخش مهمی از کشور عراق محسوب می‌شود. پایتخت آن شهر اربیل با جمعیت حدود سه و نیم میلیون نفر است و در کنار آن استان سلیمانیه واقع شده که بعد از استان اربیل به عنوان مهم‌ترین استان منطقه کردستان عراق با جمعیتی حدود دو و نیم میلیون نفر محسوب می‌شود. همچنین استان‌های دهوک و شلمچه نیز از دیگر استان‌های منطقه کردستان عراق محسوب می‌شوند که امکان تامین بسیاری از نیازهای مردم این مناطق در زمینه‌های مختلف، از جمله مواد غذایی و محصولات کشاورزی توسط صادرکنندگان ایرانی وجود دارد. سه استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه دارای مرزهای مشترک با اقلیم کردستان عراق هستند که حدود نه پایانه و بازارچه مرزی با اقلیم کردستان دارند. از جمله پایانه تمرچین در پیرانشهر در آذربایجان غربی به استان اربیل مرتبط است. همچنین بازارچه‌های سردشت و اشنویه در مرزهای مشترک این استان با اقلیم قرار دارند. مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی که مانع شکل‌گیری کردستان عراق به عنوان یک کشور مستقل می‌شوند، عبارتند از:

الف) چالش سیاسی: کردهای عراق را می‌توان سیاسی‌ترین گروه کرد در میان کشورهای منطقه دانست که با بیشترین میزان مقاومت‌های نظامی و سرکوبگری بغداد مواجه بوده‌اند. مناطق شمالی و منتهی‌الیه شمال شرقی عراق در بردارنده حزب دموکرات کردستان است. نواحی اطراف کرکوک و خانقین از کردهای سنی و شیعی مذهب و عموماً مخالف اکثریت کردها هستند. کردستان عراق کم و بیش بین دو جریان سورانی و بادینانی تقسیم شده است که دو نوع گویش کردی متفاوت دارند. گویش سورانی تحت نفوذ طالبانی است که قلاذه و کوه سنجاب و اربیل و سلیمانیه تا خانقین را زیر پوشش دارد. گویش بادینانی که مرکزش زاخو است منطقه بارزانی است و تا ترکیه پیش می‌رود. هر دو نیز تلاش می‌کنند در مناطق یکدیگر نفوذ کنند و اغلب میانشان درگیری نظامی پیش می‌آید.

بارزانی‌ها بر حزب دموکرات کردستان تسلط دارند و طالبانی‌ها بر حزب اتحاد میهنی کردستان چیره هستند. اختلافات میان حزبی بین حزب دموکرات کردستان به رهبری بارزانی و حزب اتحاد میهنی کردستان به رهبری طالبانی در سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ شکل گرفت که باعث شد بارزانی‌ها به سمت دولت مرکزی بغداد و طالبانی‌ها به سمت ایران متمایل گردند.

ب) چالش جغرافیایی

اقلیم کردستان به فضای جغرافیایی مرتفعی در غرب آسیا گفته می‌شود که از نظر اکولوژیکی، زیستگاه و موطن کردها را تشکیل می‌دهد. این منطقه مرتفع، بخش‌هایی از غرب و شمال ایران، شرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه و نیز غرب قفقاز را در بر می‌گیرد. اقلیم کردستان بین پنج دولت ایران، ترکیه، سوریه، عراق و ارمنستان و بین چهارسازه تمدنی و فرهنگی، بین چهار فلات؛ یعنی ایران، عربستان، آناتولی و قفقاز و در مسیر یک گذرگاه میان قاره‌ای آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. موقعیت بسته جغرافیایی کردستان، بزرگ‌ترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن است، بنابراین کردها به دلیل موقعیت بسته جغرافیایی خود و عدم دسترسی به آب‌های آزاد و یا کشورهای همپراز خود مجبور به جلب رضایت و همکاری با کشورهای پیرامونی خود مثل ایران و ترکیه هستند. تقسیم کردستان بین کشورهای غرب آسیا سبب شده است که مناطق کردنشین این کشورها از لحاظ جغرافیایی دارای موقعیت حاشیه‌ای برخوردار باشند. اگر واقع‌بینانه نگریسته شود، کردستان شکل دولت فرضی محصور در خشکی است که به دریا راه ندارد و بزرگ‌ترین تنگنای ژئوپلیتیکی آن را انزوای جغرافیایی تشکیل می‌دهد که دولت‌های همسایه همه نسبت به آن مواضع خصمانه خواهند داشت.

پ) چالش اقتصادی

شهر کرکوک مرکز استان التمیم عراق است که در ۲۵۰ کیلومتری شمال بغداد قرار گرفته است و طبق آمار ۲۰۱۳ جمعیت آن ۸۸۰ هزار نفر بود. در حال حاضر هم شهر کرکوک نقطه تلاقی نگاه مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق به عنوان قلب کردستان و جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی به عنوان قدس کردستان و از نگاه ترکیه و آمریکا بزرگ‌ترین حوزه نفتی خاورمیانه به حساب می‌آید امتزاج قومی و وجود ذخایر نفتی ده درصد در شهر کرکوک، همواره آن را در کانون بحران‌های قومی و سیاسی قرار داده است.

با توجه به اختلافات دیرینه کردها در سوریه و ترکیه، قرار گرفتن کرکوک و اختیار منابع انرژی آن در دست کردهای عراق، می‌تواند به عنوان اهرم فشار بر دولت‌های سوریه و ترکیه در خصوص مسائل کردهای این منطقه مورد استفاده قرار گیرد.

اقوام کرد در کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و بالأخص عراق همواره تلاش داشته‌اند تا از کشورهای مذکور جدا شده و به صورت مستقل تشکیل دولت و حکومت دهند. تاکنون کردهای عراق پس از برخی تحولات موفق گردیده‌اند تا حکومت خودمختار برای خود تدارک ببینند؛ اما آن‌ها نیز به دلیل برخی محدودیت‌های ژئوپلیتیکی، توان ایجاد یک کشور مستقل را در منطقه خاورمیانه یا به فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) غرب آسیا ندارند. با اتکا به یافته‌های تحقیق مشخص می‌شود:

۱- توسعه هرچه تمام‌تر روابط تجاری با اقلیم کردستان عراق، به دلیل موقعیت ویژه و برخورداری از فضای مناسب کسب و کار و ثبات اقتصادی و همچنین آزادی ارتباطات و زیرساخت‌های مناسب اقتصادی و تجاری این منطقه که در برخی سال‌های گذشته، در حدود ۷۰ درصد و در سال‌های اخیر تا حدود ۵۰ درصد تجارت ایران با

عراق از طریق این منطقه انجام شده است. همچنین شرکت‌های ایرانی در حوزه خدمات فنی و مهندسی اقلیم کردستان حضور فعال داشته‌اند.

۲- تقویت آن چه ایران از سال‌ها قبل با تأسیس کنسولگری در شهرهای اربیل و سلیمانیه اقلیم کردستان عراق، زمینه مناسبی را برای ارتباطات سیاسی و اجتماعی بین ایران و آن اقلیم فراهم کرده است و سازمان توسعه تجارت ایران نیز از سال‌های گذشته و در چارچوب توسعه روابط اقتصاد و فرهنگی با این منطقه، برنامه‌های مختلفی را در دستور کار قرار داده است.

۳- تشکیل کمیته مشترک بازرگانی و صنایع و اجرایی نمودن تفاهات قبلی، تشکیل کمیته حل اختلافات تجاری میان تجار دو کشور در اتاق بازرگانی ضروری است.

۴- شرکت‌های مشترک حمل و نقل زمینی و حمل مستقیم کالا به این اقلیم باید راه‌اندازی شود.

۵- بهره‌برداری از همه این ظرفیت‌ها و زمینه‌ها، همکاری دیگر نهادهای ذی‌ربط به‌ویژه وزارت امور خارجه، وزارت راه و شهرسازی، گمرک ایران و بخش خصوصی که می‌تواند چالش‌ها و تهدیدات را به فرصت‌ها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مبدل سازد را می‌طلبد.

فهرست منابع

- امیراحمدی، هوشنگ و شفیعی، حسن (۱۳۷۷). قومیت و امنیت (تأثیر سیاست‌های قومی رژیم پهلوی در پیدایش جنبش‌های قومی دسته‌جمعی در ایران)، ترجمه حسن شفیعی، فصلنامه مطالعات راهبردی. دوره یک، شماره ۲، صص ۲۳۴-۲۰۷.
- اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه (۱۳۹۰). کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۶۰. صص ۱۶۸-۱۴۱.

- الهی، همایون، (۱۳۸۴). *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: نشر قومس.
- برادن، کتلین و شلی، فرد (۱۳۸۳). *ژئوپلیتیک فراگیر*، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ، چاپ اول.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۶). *فرهنگ جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات انتخاب، چاپ اول.
- تقوی اصل، سید عطا (۱۳۸۴). *ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان*، تهران: وزارت امر خارجه - مرکز چاپ و نشر.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۴). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی، چاپ اول.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۹). *تعریفی نو از ژئوپلیتیک، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی*، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۷۱-۸۸.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۳، صص ۱۴۰۰۵-۱۳۹۷۴.
- حاجی میرخان، زرار (۱۳۹۰). *مقالات ویژه، فصلنامه گفتگو*، شماره ۵۸، صص ۲۲-۱۱.
- حکیم، حسن، (۱۳۸۱). *وضعیت گروه‌های سیاسی عراق، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم*، شماره ۱۸، صص ۳۵۴-۳۴۱.
- جتی محب، فائزه (۱۳۹۱). *معادلات سیاسی اقلیم کردستان عراق: با تمرکز بر نقش اسرائیل در تطویل معمای کرکوک، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، شماره ۴۷، صص ۱۸۸-۱۵۹.
- خالدی، حسین (۱۳۸۸). *تحلیل ژئوپلیتیک خودگردانی شمال عراق و تأثیر آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی با تأکید بر ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما: دکتر حمیدرضا محمدی، استاد مشاور: دکتر علیرضا محرابی.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸). *جغرافیای استراتژیک ایران*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

عبداله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰). تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۵، صص ۱۰۶-۸۵.

قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹). مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، انتشارات سازمان جغرافیایی، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۹۴-۵۷.

قربان‌شیخ‌نشین، ارسلان و قدمی، اکرم (۱۳۹۱). بررسی راهبرد سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد*، دوره ۲۱، شماره ۶۲، صص ۸۲-۵۵.

غلامحسینی، اسماعیل، لیلایی، صادق، دلوند فر، بختیار، قربانیان، آیت (۱۳۸۹). بررسی نقش هویت قومی بر امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، سال هفدهم، شماره ۶۱، صص ۱۶۶-۱۳۵.

میرحیدر، دره (۱۳۷۸). *اصول و مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

مویر، ریچارد (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه: دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی، سیاست جغرافیایی*، تهران: انتشارات سمت.

موسوی، سید حافظ، برزگر، کیهان، قوام، سید عبدالعلی، ذاکریان، مهدی (۱۳۹۵). تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه؛ *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوازدهم، شماره ۴۱، صص ۱۸۸-۱۶۶.

هاگت، پیتر (۱۳۹۲). *جغرافیا ترکیبی نو*، ترجمه شاپور گودرزی نژاد؛ تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، جلد اول.

هوشمند، احسان (۱۳۸۳). *کرد یا کردها مدخلی جامعه‌شناختی بر کردشناسی*، *فصلنامه گفتگو*، شماره ۴۰، صص ۳۴-۹.

منابع انگلیسی

<http://www.tabnak.ir/fa/news>. (Accesse & 7 Agust 2014)

Kagan, Robert (2004), "*Of Paradise and Power: America versus Europe in the New World Order*", knopf.

Rozoft, Rick (2009), "*NATO In The Persian Gulf from Third World War to the Istanbul Cooperation Initiative*", February 7.

Survey of the Geopolitical Challenges of the Independence of the Iraqi Kurdistan Region

Hossein. Yaghoubi (Ph.D student)

Abstract

Political science and international relations thinkers have always been interested in knowing the geopolitical bottlenecks and limitations of countries, as well as knowing its positive and negative variables and determining the position and status of countries at the regional and global levels. After the collapse of the bipolar system and the defeat of Saddam from the coalition forces in 1991 and the fall of the Baath government in 2003, the issue of the Kurdistan Region of Iraq emerged as an active geopolitical phenomenon in the region and the world, which led to the formation of an autonomous government in northern Iraq. But the issue of independence for the Kurdistan region remains an unsolved mystery. The purpose of the current research is to investigate the geopolitical challenges of the Kurdistan region of Iraq by descriptive and analytical methods and collecting library and documentary data. Thus, the main question of the research is what obstacles and limitations the Kurdistan region of Iraq faces in order to achieve independence. The findings of the article showed that although the policy of cultural and ethnic genocide of Iraq in the Kurdistan has caused the centrifugal and independence tendencies of the Kurds in the 20th century, but the realization of an independent Kurdish state in the West Asian region due to economic, political, and geographical limitations will not be possible.

Keywords: geopolitics, geopolitical challenges, Kurdistan region of Iraq, Kurdish people